

بسم الله الرحمن الرحيم

خلافت اسلامی و مهدی علیه السلام



(ترجمه)

برخی کسانی که از حقیقت و جوهر اسلام غافل اند، به این باور اند که احیای خلافت جز با ظهور امام مهدی علیه السلام امکان پذیر نبوده و لازم نیست که به خاطر احیای آن تلاش کرد. در حقیقت این یک مفهوم گمراه کننده ای می باشد که امت اسلامی را از کار کردن به خاطر ایجاد نظام اسلامی (خلافت) باز می دارد و در نهایت باعث گمراهی امت اسلامی و تأخیر در ایجاد خلافت اسلامی می گردد که در نتیجه منافع کفار تأمین گردیده و سبب تقویت سیکولریزم در سرزمین های اسلامی می گردد. باید یادآور شد که همه چیز از جانب الله سبحانه و تعالی می باشد و آن چه را او تعالی تقدیر کرده باشد، تأخیری در آن رخ نمی دهد. در پاسخ به این شبهه افگنی ها به موارد ذیل توجه شود:

۱- کار برای تأسیس نظامی می باشد که همانا تطبیق کننده قوانین اسلامی و رهبری عمومی بالای امت به منظور حاکمیت اسلام در داخل و حمل آن توسط دعوت و جهاد به سایر نقاط جهان می باشد. این کار وجوب ایمانی همه امت اسلامی می باشد که فرضیت آن در قرآن، سنت و اجماع اصحاب رضوان الله علیهم اجمعین ثابت گردیده است. امام قرطبی رحمه الله می گوید: «هیچ کس نمی تواند از این امر مهم (وجوب خلافت و کار به خاطر احیای آن) انکار کند؛ مگر کسانی که نسبت به قوانین اسلامی بی باور اند.» امر واجب باید به طریقه خاص خودش صورت گیرد؛ در غیر آن شخص گناهکار محسوب می شود. بنابر این، واجب در شریعت اسلامی خود سرانه صورت نمی گیرد؛ مگر این که به طریقه ای که شریعت اسلامی نسبت به آن دستور داده است صورت گیرد. البته با در نظر داشت این که نتیجه کار به دست الله سبحانه و تعالی می باشد.

۲- چگونگی انجام یک امر واجبی (فرض) در شریعت اسلامی به صورت واضح مشخص شده است که باید بر اساس آن گام برداشت. به گونه مثال: اجرای زکات به معنی اخذ ۵٪ در صد از پول در هر سال می باشد. هم چنان نماز طوری ادا می گردد که آن را ادا می کنیم. به همین ترتیب، طریقه کار برای ایجاد دولت خلافت در شریعت اسلامی به تفصیل بیان شده است که همانا طریقه رسول الله صلی الله علیه وسلم در تأسیس نخستین دولت اسلامی در مدینه می باشد.

۳- امر واجب (فرض) نباید به طریقه دیگری صورت گیرد؛ مگر طریقه ای که شریعت اسلامی آن را واجب گردانیده است. کسانی که نماز بر پا می دارند و زکات می دهند و حج را اداء می کنند، تنها این فرایض را از گردن خود ساقط کرده اند؛ اما فریضه ای که به خاطر تأسیس خلافت اسلامی باید به آن تمسک جویند، متأسفانه نسبت به آن غفلت صورت گرفته است. همان گونه ای که پرداخت زکات طریقه ادای نماز نیست، انجام تمام فرایض طریقه تأسیس دولت اسلامی شده نمی تواند. در ضمن، همان طوری که جهاد طریقه ادای نماز نیست، به همین ترتیب طریقه تأسیس خلافت اسلامی شده نمی تواند. بنابر این، کار به خاطر تأسیس خلافت اسلامی باید به طریقه ای که رسول الله صلی الله علیه وسلم که آن را در مدینه تأسیس نمود باید به همین شکل یعنی طریقه خاص خودش (تثقیف، تفاعل و طلب نصرت) صورت گیرد.

۴- روش مشروع در ایجاد خلافت اسلامی همانا طریقه و روش پیامبر صلی الله علیه وسلم در ایجاد دارالاسلام در مدینه می باشد. هرچند برخی ها در تأسیس خلافت اسلامی طریقه های دیگری را به کار می برند؛ اما یگانه راه در تأسیس خلافت اسلامی راهی است که بر اساس قرآن و سنت استوار باشد، نه بر اساس علایق و کسانی که ادعای فرضیت خلافت اسلامی را می کنند، بدانند که کار به خاطر آن نیز واجب (فرض) می باشد.

۵- خلافت در یک سرزمین تأسیس خواهد شد و سپس به دیگر سرزمین ها گسترش خواهد کرد. این یک دولتی است که شریعت الهی را تطبیق نموده و آن را به جهان حمل می کند و اصلاً مشکلی ندارد که زمامدار امورش به عنوان خلیفه، رئیس امت، امام یا امیرالمؤمنین نامیده شود؛ زیرا آن چه که اهمیت دارد، همانا روش حکومت داری، نظام های زنده گی و دست یابی به شرایط مشروعیت در سرزمینی می باشد که دولت اسلامی در آن تأسیس گردیده است.

۶- خلافت چیزی نیست که از آسمان توسط بال های فرشتگان به زمین فرود آید؛ بل این امری است که توسط کار و فعالیت امت اسلامی تأسیس خواهد شد. این یک موضوع منحصر به فرد نیست؛ بل موضوع تمام امت اسلامی می باشد. به این معنی که کار به خاطر احیای خلافت واجب و ضروری می باشد.

۷- اگر امام مهدی علیه السلام تنها کسی است که خلافت را تأسیس می کند، پس او کسی نیست که در پیشانی اش مهر خلیفه زده شده باشد؛ حتی مردم در مقابل رسول الله صلی الله علیه وسلم که از جمله بهترین عالم بود و هیچ کس را نمی توان با وی مقایسه کرد، سر ستیز داشتند و نافرمانی آن حضرت صلی الله علیه وسلم را می کردند. پس آیا در مقابل مهدی علیه السلام نافرمانی و ستیزه نخواهند کرد؟ بسیاری از این مردم نمی دانند؛ او کسی است که در راستای تحقق عدالت جزء اسلام به چیزی دیگری حکم نمی کند و به همین سادگی مطیع او نخواهند شد؛ حتی مردم از شخصیت او انکار می کنند و می پندارند که شاید کسی دیگری هم از او بهتر باشد. لذا باید به امت آگاهی داده شود تا باشد که اهل قدرت از او حمایت کنند.

۸- الله سبحانه و تعالی قوانین اسلام را به یک فرد خاص محدود نکرده است. بیان این سخن که گویا تأسیس خلافت اسلامی و تطبیق شریعت تنها محصور به زمان امام مهدی علیه السلام می باشد و قبل از آن نباید دست به کار شد، در حقیقت نقض دین و پشت کردن به تمام قوانین آن می باشد. بنابر این، ما به خاطر انجام تکلیف شرعی خویش که همانا کار کردن به خاطر احیای خلافت و این که وجیه شرعی از طرف الله سبحانه و تعالی است، تلاش می کنیم تا باشد که خود را از گناه تبرئه کنیم؛ حتی اگر امام مهدی علیه السلام کسی باشد که آن را تأسیس نماید؛ زیرا هدف ما فقط کار کردن به خاطر خلافت است، نه به خاطر آمدن امام مهدی.

۹- مسئله ما تلاش به خاطر پیدا کردن شخص مناسب بر منصب خلافت نیست؛ در حالی که خلافت تا هنوز تأسیس نشده است؛ بلکه مسئله احیای یک دولت اسلامی و ایجاد یک امت واحد می باشد. بنابر این، آیا به کمک الله سبحانه و تعالی امت اسلامی از خواب بیدار نخواهند شد؟

۱۰- پشت کردن به قوانین اسلامی و ترک واجب در اموری که در آن ضرورت الزام می باشد، در شریعت اسلامی مجاز نیست. آن چه که امروزه مسلمانان از دست داده اند، همان اعتقاد به ایجاد قدرت فزیکمی (خلافت) می باشد که منجر به ضعف و ناتوانی شان در اموری که باید انجام دهند، شده است. پس آیا این نتیجه انحطاط ما نیست که در سردگمی قرار گرفته ایم؟ آیا این ها همه از جمله ایده های نبودند که باعث سرنگونی خلافت عثمانی ها گردید؟

۱۱- این نیز وابسته به اصول است و نشان می دهد، نباید قرینه ای را شامل کرد که بیانگر امری باشد؛ زیرا این تنها به عنوان خبر محض قرار می گیرد که نیازمند انجام عمل نیست و احادیث صحیح در مورد مهدی علیه السلام مضمون این قرینه نمی گردد که ما را ملزم به این امر کند؛ تنها اطاعت از امام مهدی بر ما واجب می باشد و این یک مسئله جدا است.

حدیثی از رسول الله صلی الله علیه وسلم است، نشان می دهد که امام مهدی پس از مرگ یک خلیفه ظهور خواهد کرد و این به این معنی است که خلافت قبل از امام مهدی علیه السلام تأسیس خواهد شد و امام مهدی کسی نیست که مؤسس آن باشد. از حضرت ام سلمه رضی الله عنه روایت است که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمودند:

«يَكُونُ اخْتِلَافٌ عِنْدَ مَوْتِ خَلِيفَةٍ فَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، فَيَأْتِي مَكَّةَ، فَيَسْتَخْرِجُهُ النَّاسُ مِنْ بَيْتِهِ وَهُوَ كَارِهٌ فَيَبَايَعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، فَيَجْهَرُ إِلَيْهِ جَيْشٌ مِنَ الشَّامِ، حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ حُسِفَ بِهِمْ، فَيَأْتِيهِ عَصَابُ الْعِرَاقِ وَأَبْدَالُ الشَّامِ، وَيَنْشَارُ رَجُلٌ بِالشَّامِ، وَأَخْوَالُهُ كَلْبٌ فَيَجْهَرُ إِلَيْهِ جَيْشٌ، فَيَهْزِمُهُمُ اللَّهُ، فَتَكُونُ الدَّبْرَةُ عَلَيْهِمْ، فَذَلِكَ يَوْمَ كَلْبٍ، الْخَائِبُ: مَنْ خَابَ مِنْ غَنِيمَةِ كَلْبٍ، فَيَسْتَفْتِحُ الْكُنُوزَ، وَيَقْسِمُ الْأَمْوَالَ، وَيُلْقِي الْإِسْلَامَ بِجِرَانِهِ إِلَى الْأَرْضِ، فَيَعِيشُ بِذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ أَوْ قَالَ: تِسْعَ سِنِينَ»

(رواه طبرانی در الاوسط و حثیمی در مجمع الزوائد)

ترجمه: اختلافات در میان مردم پس از مرگ یک خلیفه بروز خواهد کرد و یک مرد از خاندان بنی هاشم به مکه فرار خواهد کرد و بعضی از مردمان در مکه نزد وی خواهند رفت و در بین مقام ابراهیم و حجر الاسود خلافت میل او به او بیعت خواهند کرد. سپس اردوی بزرگی از شام (سوریه) به خاطر حمله بالایی او حرکت می کنند و زمانی که این اردو در البیدا (منطقه میان مکه و مدینه) می رسد، زمین آن ها را فرو می برد. هنگامی که مردم این واقعه را مشاهده می کنند، جان بازاری از طرف شام و عراق به وی ملحق گردیده و بیعت می کنند. سپس مردی از قبیله کلب مربوط به شام، لشکری علیه او تدارک می بیند و برای جنگ با او می فرستد؛ اما

اولشکر کلب و همراهانش را شکست می دهد و غنیمت های فراوانی از آن ها به دست می آورد. بازنده واقعی کسی است که از غنایم کلب چیزی حاصل نمی کند. او غنیمت ها را به همه یک سان تقسیم می کند، اسلام در زمین حاکمیت پیدا می کند و او تا هفت یا به روایتی دیگری نه سال حاکمیت خواهد کرد.

راویان و مفسرین این حدیث موافق اند که خلیفه یاد شده در این حدیث مهدی علیه السلام می باشد؛ زیرا در آغاز این حدیث رسول الله صلی الله علی و سلم فرمودند: «اِخْتِلَافٌ عِنْدَ مَوْتِ خَلِيفَةٍ» با مرگ یک خلیفه اختلاف بروز می کند. این به این معنی است که قبل از ظهور مهدی علیه السلام خلیفه وجود دارد.

کلمه خلیفه در حدیث گذشته از اصطلاح شرعی برخوردار است که نمی تواند، از بین برود؛ مگر با بیان قرینه ای. این کلمه شرعی (خلیفه) به معنی حاکم یا رئیس عمومی تمام مسلمین می باشد که به طور شرعی با وی بیعت صورت گرفته باشد و او کسی باشد که بما انزل الله حکم کند و اسلام را توسط دعوت و جهاد به تمام جهان برساند. آن چه که برخی ها با هم بحث و گفتگو می کنند، که گویا مرگ خلیفه مرگ یکی از حکام امروزی می باشد که خلاف اسلام حکم می کند و اصلاً بیعتی با وی صورت نگرفته است و رئیس عمومی مسلمانان نیست، امریست که به هیچ وجه حقیقت ندارد.

انتظار به خاطر ظهور خلیفه امری است که زمینه ساز هزاران فرصت برای استبدادگران و کفار و کمک به آن ها در خصوص تضعیف اسلام و مسلمین می باشد. بنابر این، کفار، منافقان و استبدادگران به حمایت از این ایده می پردازند که خلیفه تنها امام مهدی می باشد و تا زمان ظهور وی اصلاً خلیفه ای نخواهد بود. این خود خطرناک ترین مفهوم است که مسلمانان شیعه و سنی را به گمراهی می کشاند.

شیعیان انتظار ظهور او را دارند و در ضمن برخی از اهل سنت منتظر او در مقام ابراهیم و حجر الاسود می باشند. لذا کسانی که به انجام این مسؤولیت بزرگ (کار به خاطر برپایی خلافت) بپا نمی خیزند؛ دانسته یا نادانسته در خدمت کفار قرار گرفته و در نتیجه آب بر آسیاب سیکولریزم به عنوان یگانه راه حل می ریزند که این خود نوعی خیانت بر مسلمین و خدمت به کفار محسوب می شود. احادیث بی شماری در رابطه به وجود خلافت وجود دارد که خلافت بر منهج نبوت قایم خواهد شد، این امر به خواست الله سبحانه و تعالی خواهد بود و ایجاب می کند که باید نسبت به آن باورمند بود. از حضرت ثوبان رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ زَوَى لِي الْأَرْضَ، فَرَأَيْتُ مَشَارِقَهَا وَمَغَارِبَهَا، وَإِنَّ أُمَّتِي سَيَبْلُغُ مُلْكُهَا مَا زُوِيَ لِي مِنْهَا...»

(رواه مسلم، ترمذی، احمد، ابو داود و ابن ماجه)

ترجمه: الله (سبحانه و تعالی) زمین را برای من جمع کرد و من از مشرق تا مغرب زمین را دیدم. قطعاً حکومت امتم به نقاطی خواهد

رسید که من دیدم....

کلمات این حدیث: «وَإِنَّ أُمَّتِي سَيَبْلُغُ مُلْكُهَا مَا زُوِيَ لِي مِنْهَا» یعنی حکومت امت من به نقاطی خواهد رسید که من دیدم، تا اکنون حصول نگردیده؛ زیرا مسلمانان هنوز بر شرق و غرب مسلط نیستند. فلذا این خود اشاره ای به استقرار یک دولت اسلامی در جهت باز کردن سرحدات شرق و غرب است. حضرت ابن عمر رضی الله عنه می فرماید که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«إِذَا تَبَايَعْتُمْ بِالْعِينَةِ، وَأَخَذْتُمْ أَذْنَابَ الْبَقَرِ، وَرَضَيْتُمْ بِالزَّرْعِ، وَتَرَكْتُمْ الْجِهَادَ، سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ ذُلًّا لَا يَنْزِعُهُ حَتَّى تَرْجِعُوا إِلَى دِينِكُمْ»

(رواه ابو داود)

ترجمه: آن گاه که شما معامله عینیه کردید، دم گاو را گرفتید، به کشاورزی خرسند و خشنود شدید، جهاد در راه الله (سبحانه و تعالی) را ترک نمودید الله (سبحانه و تعالی) ذلت و پستی را بر شما چیره می گرداند و آن را از شما دور نخواهد کرد تا وقتی که به دین تان برگردید.

مفهوم «حَتَّى تَرْجِعُوا إِلَى دِينِكُمْ» یعنی تا این که به دین تان باز گردید؛ به معنی برگشتن به خاطر کار کردن در خصوص قیادت این دین و داوری بر امور زنده گی می باشد. بنابر این، این یک بشارتی نیکویی از جانب پیامبر صلی الله علیه و سلم می باشد که مسلمانان پس از این که حاکمیت در دین شان را رها می کنند، بر دین شان خواهند برگشت.

از حضرت ابی قبیل روایت شده که گفت: ما همراه عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما بودیم، سوال شد که از قسطنطنیه و روم کدام شهر زودتر فتح می شود؟ عبدالله (رضی الله عنه) صندوقی را که دارای حلقه بود، از همراهانش خواست، صندوق را آوردند و نوشته ای را از آن بیرون کرد. راوی می گوید که عبدالله بن عمرو بن عاص (رضی الله عنهما) گفت:

«بَيْنَمَا نَحْنُ حَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَكْتُبُ، إِذْ سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الْمَدِينَتَيْنِ تُمْتَحُ أَوْلًا: قُسْطَنْطِينِيَّةٌ أَوْ رُومِيَّةٌ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَدِينَةُ هِرَقْلٍ تُمْتَحُ أَوْلًا يَعْنِي قُسْطَنْطِينِيَّةٌ»

(رواه احمد)

ترجمه: وقتی ما در حضور رسول الله (صلی الله علیه و سلم) حدیث را می نوشتیم، مردی این سؤال را مطرح کرد. رسول الله (صلی الله علیه و سلم) فرمود: نخست شهر هرقل فتح می شود؛ یعنی قسطنطنیه.

هنگامی که از رسول الله صلی الله علیه و سلم در مورد فتح دو شهر: قسطنطنیه و روم، پایتخت ایتالیا سؤال شد، ایشان روم را انکار نکردند؛ بلکه فرمودند: نخست قسطنطنیه فتح خواهد شد. این بیانگر آن است که پس از قسطنطنیه روم فتح خواهد شد. از این که روم تا امروز توسط مسلمانان فتح نشده، این حدیث بشارتی نیکویی را به همراه دارد که مسلمانان شهر روم، پایتخت ایتالیا را فتح خواهند کرد و این فتح بدون احیای خلافتی که جهاد به خاطر رضای الله سبحانه و تعالی و فتح سرزمین ها به خاطر رسانیدن نعمت اسلام در اولویت کاری اش می باشد، امریست مهال و امکان ناپذیر. حضرت نعمان بن بشیر از حذیفه رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«تَكُونُ النَّبُوءُ فِيكُمْ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةُ عَلَىٰ مِنْهَاجِ النَّبُوءِ، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا عَاصِيًا، فَيَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا جَبْرِيَّةً، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةُ عَلَىٰ مِنْهَاجِ النَّبُوءِ ثُمَّ سَكَتَ»

ترجمه: نبوت تا زمانی که الله (سبحانه و تعالی) بخواهد، در میان شما باقی خواهد ماند و هر وقت که بخواهد آن را بر می دارد؛ سپس خلافت بر طریقه نبوت جایش را خواهد گرفت تا زمانی که الله (سبحانه و تعالی) بخواهد؛ سپس هر وقت که بخواهد آن را بر می دارد و آنگاه حاکمان سخت گیری به قدرت می رسند و تا زمانی که الله (سبحانه و تعالی) بخواهد، بر قدرت باقی خواهند ماند و باز هر

وقت که بخواهد آن را بر می دارد، حاکمان ستمگر به قدرت می رسند و تا زمانی که الله (سبحانه و تعالی) اراده کند، باقی خواهند ماند و باز آن را بر می دارد و پس از آن خلافت یک بار دیگر بر منهج نبوت قایم خواهد شد و سپس سکوت کردند.

این حدیث بیانگر آن است که خلافت پس از حکومت های ارثی و استبدادی بر منهج نبوت قایم خواهد شد. به همین ترتیب، همان گونه که خلافت راشدین قایم شده بود، همان گونه خلافت ان شاء الله بر منهج نبوت قایم خواهد شد. فلذا خلافت نظام است که از جانب شریعت واجب گردیده است و تاریخ به این امر گواه می باشد. مراکز تحقیقاتی غرب از نزدیکی وقوع آن به خوبی آگاه اند و امروزه غرب از بازگشت خلافت بر منهج نبوت به وحشت آمده است و در نهایت به خاطر به تأخیر انداختن آن تلاش می کند.

با این حال، متأسفانه مسلمانان یا به خواب غفلت رفته اند یا این که نسبت به رحمت الله سبحانه و تعالی بی باور شده اند؛ ولی باید اضافه کرد که نباید مسلمانان نسبت به تکلیف شرعی شان که همانان کار به خاطر برپایی عزت تمام امت (خلافت) است، غفلت نمایند؛ زیرا اگر چنین کنند، هلاک خواهند شد.

یا الله سبحانه و تعالی! پس از هدایت ات ما را گمراه مگردان و رحمت ات را شامل حال ما کن؛ زیرا تو بهتر از آن هستی که وصف شود. یا الله! بر ما منت گذار، آن چه را که توسط پیامبرانت بر ما و عده داده ای و ما را در روز رستاخیر رسوا مکن؛ زیرا تویی که خلاف وعده نمی کنی و درود بر روان پاک منجی بشریت حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم.

نویسنده: عبدالمؤمن

رئیس دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-ولایه یمن

۱۵ محرم ۱۴۳۹ هـ ق

۵ اکتوبر ۲۰۱۷ م